

گفت‌وگوی «جوان» با مدیر کل هنرهای نمایشی حوزه هنری

# تئاتر بچه‌های مسجد به سراغ مخاطب و بین مردم می‌رود

کوروش زارعی که اغلب او را در نقش لاشی برادر در ستگار بوزارسیف در سریال یوسف پیامبر می‌شناسند، باز بگسر و کارگردان سینما، تئاتر و تلویزیون است که از سال ۹۵ مدیریت کل هنرهای نمایشی حوزه هنری را بر عهده دارد. وی همچنین مدیر کل مرکز هنرهای نمایشی در عرصه تئاترهای کشور است؛ هنرمندی که معتقد است باید برای نسل‌های آینده هنر ایرانی‌اسلامی نیروهای خوب تربیت کرد. با او درباره تئاتر بچه‌های مسجد گفت‌وگو کرده‌ایم.

### تئاتر بچه‌های مسجد چطور شکل گرفت؟

این برمی گردد به قبل از انقلاب؛ یعنی دهه ۵۰ گروه‌های انقلابی و مذهبی که دغدغه دین داشتند و خیلی از آنها در جریان انقلاب بودند، جنبشی تحت عنوان هنر در مسجد را شروع کردند که فقط به تئاتر ختم نمی‌شد و هنرهای تجسمی، شعر، نمایش و... را هم در بر داشت. بچه‌های حزب‌اللهی دور هم جمع شدند و در مسجد جوادالانمه پایه کارهای هنری را گذاشتند که به مساجد دیگر هم تسری پیدا کرد تا اینکه انقلاب به پیروزی رسید و حوزه هنری تشکیل شد و بچه‌هایی که در مسجدها کار می‌کردند جذب حوزه هنری شدند و واحدهای هنری را تشکیل دادند که به عنوان پایگاه هنر انقلاب در حوزه هنر و اندیشه اسلامی شروع به فعالیت کردند.

**پس چرا تا سال‌ها این جریان مسکوت ماند؟**

پس از انقلاب تشکیلاتی برای هنرمندان انقلابی تحت عنوان حوزه هنر و اندیشه ایجاد شده بود که بچه‌های مسجد می‌توانستند کار کنند و با آزمون و خطا وارد جریان حرفه‌ای بشوند اما کم‌کم جریان چهره‌های مسجد زبرسایه حرفه‌ای‌گری فراموش شدند تا سال ۷۳ دوباره جریان بچه‌های مسجد در هنر و ادبیات شروع شد. یعنی مسئولان حوزه هنر به این نتیجه رسیدند هنرمندانی که جذب هنر شدند، بچه‌های مسجد بودند و امروز این عرصه خالیست و کسی نیست که با تفکر و دیدگاه مسجدی تقویت بشود. برای همین حوزه هنر و ادبیات و تئاتر را به راه انداختند و خیلی خوب هم این جریان پیش می‌رفت به طوری که در عرصه تئاتر بعد از جشنواره تئاتر فجر و جشنواره مقاومت داشت به جشنواره سوم تبدیل می‌شد تا به جایگاه خوبی برسد. طی ۱۲ دوره جشنواره بچه‌های مسجد به رشد خوبی رسید به و همه تئاتر ایران پذیرفته بودند که این جریان نوظهور جای خود را در تئاتر کشور باز کند و هنرمندان تراز اول داور جشنواره ما می‌شدند مانند علی نصیریان و امین تارخ اما با تغییر مدیریت حوزه هنری و سپس مدیر وقت هنرهای نمایشی این جریان متوقف شد. در حالی که جریان بچه‌های مسجد خوب شناخته شده بود و بالغ بر ۱۳ جلد نمایشنامه‌های خوب توسط نویسندگانی مطرح کشور که عمدتاً پرورش یافته مسجد بودند، چاپ شده بود تا سال ۹۵ کار متوقف شد. من سال‌ها کارمند حوزه هنری بودم و به شکل جدی بای کار بچه‌های مسجد ایستادم تا جریان متوقف شده را باز به تکاپو بیندازم چون می‌دانستم هنرمندان خوب و متمه‌های این بچه‌های مسجد رشد پیدا کردند و ظرفیت خوبی دارند و جای این جریان را در حوزه هنری خالی دیدیم. آقای مؤمنی هم تأکید بر ادامه کار داشت. من هم اولویت اولیه را به تمام استان‌ها

اعلام کردم و ظرف دو سال دفاטר بچه‌های مسجد را راه‌اندازی کردیم، مشکل نمایشنامه داشتیم برای همین نمایشنامه‌نویسان جوان و توانا را گرد هم آوردیم و به آنها متن دادیم و نمایشنامه‌ها را به استان‌ها ارسال کردیم و جشنواره سیزدهم را سال بعد کلید زدیم و سال بعد هم جشنواره چهاردهم اتفاق افتاد.

**در دوران کرونا کار به ناچار دوباره متوقف شد؟**

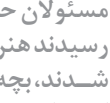
البته در این دو سال نتوانستیم جشنواره داشته باشیم، ولی برای اینکه کار متوقف نشود بحث آموزش را به صورت جسته و گریخته در استان‌ها دنبال کردیم و مسابقه نمایشنامه‌نویسی گلدسته‌ها را راه انداختیم که ۶۸ نمایشنامه از بین ۳۴۰۰ اثر انتخاب کردیم. امسال هم دومین دوره مسابقات را برگزار کردیم که نزدیک به ۱۳۷۰ اثر ارسال شد و مجبور به تمدید شدیم که فکر می‌کنم تا آخر این ماه آثار اسالی به ۱۵۰۰ اثر رسد. می‌خواستیم تولید محتوا داشته باشیم تا بعد از کرونا نمایش تک‌شکل در نظر آید. فراخوان تولید دادیم تا استعدادیابی کنیم. ۳۰۰ گروه از سرتاسر کشور اعلام آمادگی کردند. آن‌شاءالله بتوانیم خون تازه‌ای پس از کرونا در رگ‌های بچه‌های مسجد راه بیندازیم.

**با کانون مساجد وزارت ارشاد هم همکاری دارید؟**

بله تفاهنامه‌های امضا کردیم تا هم‌افزایی و مشارکت باشد و برای یک هدف مشترک بتوانیم دامنه کار را وسعت بدهیم. نوجوانان و جوانان را در عرصه هنرهای نمایشی مساجد شناسایی و کار کنیم. اخیراً هم شورایی در مرکز هنرهای نمایشی تشکیل دادیم تا با همکاری و طرح جامع سه‌ساله بچه‌های مسجد را در سه فاز تنظیم کنیم تا کسی که بعد از ما می‌آید بداند باید این سه پروره را طی ۹سال پی‌گیرد تا نتیجه نهایی که هم آموزش، هم اندیشه و ایده است به بار بنشیند و یکسری نیروی انسانی متعهد و حرفه‌ای تربیت کنیم که در راستای اهداف نظام جمهوری اسلامی و حوزه هنر اثر تولید کنند و بدنه حرفه‌ای آن از بچه‌های مسجد باشند. البته نمی‌گویم که کارهای تولیدی امروز با فرهنگ ایرانی و اسلامی همخوانی ندارد. اما به هر حال هنرهای

نمایشی آن چیزی نیست که متولیان امر و مردم راضی باشند. ما باید نیروسازی کنیم و هنرمندانی مطابق با فرهنگ ایرانی و اسلامی تربیت کنیم.

**تفاوت تئاتر بچه‌های مسجد با دیگر تئاترهای کشور چیست؟**  
بزرگ‌ترین تفاوت این است که تئاتر بچه‌های مسجد به سراغ مخاطب و بین مردم می‌رود. سال‌هاست برخی از هنرمندان می‌گویند تئاتر برای همه است درحالی‌که باید گفت عملاً تئاتر برای همه نیست؛ بلکه تئاتر برای تئاتر



**مسئولان حوزه هنر به این نتیجه رسیدند، بچه‌های مسجد بودند و**

**امروز این عرصه خالیست و کسی نیست که با تفکر و دیدگاه مسجدی تقویت بشود.**
**برای همین حوزه ادبیات و تئاتر را به راه انداختند و در عرصه تئاتر بعد از جشنواره تئاتر فجر و جشنواره مقاومت داشت به سوم تبدیل می‌شد تا به جایگاه خوبی برسد**



است ولی در مسجد تئاتر برای همه اقشار است نه یک گروه خاص. ما تئاتری‌ها تولید تئاتر برای خردمان داریم در صورتی که تئاتر برای مردم است. تئاتر ما تئاتر مردمی نیست. ما نتوانستیم در این ۴۰سال تئاتر را برای مردم جا بیندازیم. فاصله داشتیم اما در مسجد این فاصله‌ها را می‌شکستیم و تئاتر را برای کسانی اجرا می‌کنیم که اغلب‌شان تئاتر را ندیدند و با تئاتر خوب و مردمی می‌توانیم آنها را علاقه‌مند کنیم. در مشهد نمایشی را در حاشیه‌های ترین نقطه و سالن ورزشی غیراستاندارد روی صحنه بردیم. شمی ۲ هزار و ۵۰۰ تماشاگر داشتیم که با علاقه می‌آمدند. با این شکل از کارها نیروی انسانی تئاتری تولید می‌کنیم. تئاتر مسجدی ساده است؛ تنها بازیگر، کارگردان، متن و مخاطب این تئاتر را تشکیل می‌دهند. در واقع یک شکلی از تئاتر محیطی است که در مسجد اجرا می‌شود و مکانی برای آزمون و خطای نوجوانان و جوانان است تا تجربه کنند؛ جریانی که می‌تواند در آینده خدمت بزرگی به تئاتر ایران کند.

**چطور شد به فکر چاپ کتاب در این باره افتادید؟**

یکی از کارهای ارزشمند مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، پژوهش و تجربه‌نگاری است. نزدیک به دو دهه فعالیت‌های خوبی انجام شده است که ثبت و ضبط نشده و حیف است این کارها گردآوری نشود. برای همین



چقدر نهادسازی منسجم‌تر، هدفمندتر و مبتنی‌بر برنامه‌ریزی باشد، مسلماً عملکرد بهتر خواهد بود. نوری غلامزاده با اشاره به نقش شبکه برون‌مرزی هیسپان‌تی‌وی در آشنایی مردم امریکای لاتین با ایران گفت: محتواهای رسانه‌ای که در هیسپان‌تی‌وی تولید می‌شود، بسیاری از مردم امریکای لاتین را جذب جمهوری اسلامی ایران می‌کند، به تشخیص با افرادی بر خورد داشته‌ام که بسیاری از آنها از طریق همین محتواهای رسانه‌ای با جمهوری اسلامی ایران آشنا شدند و حقایق سیاسی را که اصولاً توسط رسانه‌های غرب محور و هم‌تونیک بیان نمی‌شود، از طریق هیسپان‌تی‌وی دریافت کرده‌اند.

صورت آکادمیک به زبان اسپانیولی مسلط هستند، می‌توانند مخاطبان ثلثی را جذب شبکه کنند. وی ادامه‌داد: برای بتر شدن عملکرد هیسپان‌تی‌وی باید در سطح کلان یک برنامه هدفمند، منسجم و به نوعی یک مدل نهادسازی رسانه‌ای صورت بگیرد که هر محتوایی که تولید می‌شود در راستای این مدل قرار بگیرد. در واقع این گونه نباشد که با تغییر گرایش‌ها در سطح اجرایی کشور، تولید محتوا هم تحت آسیب قرار بگیرد، بنابراین هر

# فرهنگی

درصدد برآمدیم تا همه اتفاقات به صورت کتابی دربیایید و در معرض دید و استفاده علاقه‌مندان قرار بگیرد. این کتاب به متولیان حوزه هنری و هنرمندان جریان تئاتر مسجد و عموم کمک می‌کند تا اطلاعات خوبی کسب کنند. یک پروسه یکساله در نظر گرفتیم تا کتاب مورد استفاده بشود. قبل از مسابقه نمایشنامه‌نویسی گلدسته‌ها شش مجموعه از نمایشنامه‌ها چاپ شده و ۶۸ نمایشنامه دیگر در قالب ۱۷جلد دیگر هم زیر چاپ است که فابل آن در اختیار بچه‌هاست. در دوره جدید نمایشنامه‌نویسی انتظار ما این است که ۷۰ تا ۸۰ عنوان نمایشنامه دیگر به این مجموعه‌ها اضافه شود تا مشکل نمایشنامه‌ناشته باشیم.

**موضوع نمایشنامه‌های مسجدی همه مذهبی و تاریخی است؟**  
البته همه مذهبی است اما مسائل را امروزی کردیم اعم از اجتماعی، کمدی و حتی سیاسی. سعی کردیم موضوعات مختلفی را به روز بیاوریم. تنوع زیادی است تا سلاقی مختلف را بپوشانیم که با اجرایی کردن فاز اول طرح جامع سه سال بچه‌های مسجد را که آموزشی است، آغاز کردیم. این طرح شامل آموزش و پرورش و تربیت، تولید و ترویج است که هر کدام دستورالعمل‌های خودش را دارد.

**باز خوردها چگونه بود؟**

در دو دهه‌ای که جریان تئاتر بچه‌های مسجد متوقف شد به پیکره هنر و هنرمندی صدمه زد حتی به تئاتر چون تئاتر هنری متعهد است و ما نیروی خوب تربیت نکردیم. راه‌اندازی مجدد این جریان باعث خوشحالی نوجوانان و جوانان شد چون خیلی از آنها علاقه به تئاتر دارند ولی انجمن‌های نمایشی و تشکیلات تئاتری کشور آنها را نمی‌پذیرند ولی تنها ما من این بچه‌ها، جریان تئاتر بچه‌های مسجد است. خانواده‌ها هم خوشحال شدند چون هم استعدادیابی برای بچه‌های آنها شد هم خیاشان راحت شد که در مسجد و محلی امن و سالم به سر می‌برد. ما هم در حوزه هنر استعدادهای جدیدی کشف کردیم. هنرمندان خوبی که از بین بچه‌های مسجد بودند. مرحوم سلحشور بچه مسجدی بود که اصحاب کیف و یوسف پیامبر را ساخت. اینکه بعضی از روشنفکران‌ها معترض هستند که جای تئاتر مسجدی نباید گفت می‌توان در مسجد هنرمندان توانا و متعهدی که عرق ایرانی-اسلامی دارند، تربیت کرد.

**شما هم خودتان را هنرمند مسجدی می‌دانید؟**

بله من بچه مسجدی هستم؛ زمانی که انقلاب پیروز شده بود، شش هفت سال داشتم. شب و روزم در مسجد می‌گذشت و در مناسبت‌های مختلف در مسجد و مدرسه تئاتر می‌دادم. یادم است پشت وانت می‌نشستم و با بلندگو در روستاها می‌فتمیم و می‌گفتم امشب فلان ساعت در مسجد تئاتر داریم و تبلیغ می‌کردیم. مردم هم می‌آمدند از این سرگرمی لذت می‌بردند. یک مدت هم جهاد سازندگی واحد فرهنگی داشت که آنجا کار می‌کردم. من از مسجد و بعد مدرسه کار تئاتر را شروع کردم. من این‌ها می‌نابند در هر مکان است. از مسجد جامع پاکو که امروز مسجد امام نام دارد فعالیتم را شروع کردم. تا پایان دوران نوجوانی آنجا بودم، بعد به قم رفتم و هر اتفاقی به لحاظ حرفه‌ای برای من افتاد در قم بود. گروه تئاتر آیین داشتیم که هنوز هم در کنار هم هستیم و کار تئاتر انجام می‌دهیم. وقتی از من می‌پرسند اهل کجا هستید با افتخار می‌گویم هر مز گانی-قمی هستم.

### کتاب

از غزه تا دمشق، از کشمیر تا کاراکاس

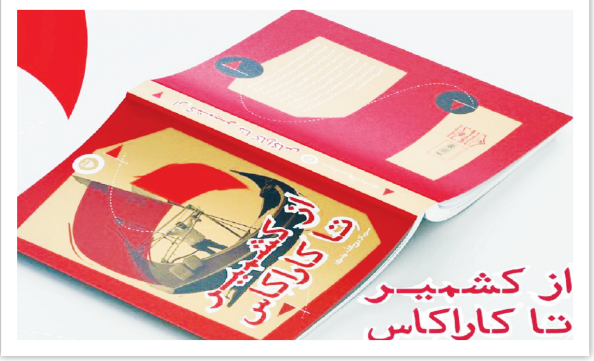
## همسفر با یک جهان‌وطن

**پس از ماوی مرمره**

بخش اول «سفر به غزه» است. درست بعد از اینکه اسرائیل به کشتی ماوی مرمره از ناوگان آزادی غزه حمله کرد و تعدادی فعال ضدجنگ در عرشه شهید شدند، اعتراضات جهانی شروع شد. امت‌واحد در ایران با همکاری تشکل‌هایی از کشورهای آسیایی تصمیم گرفت رسالت ناتمام ناوگان آزادی غزه را تمام کند. ۱۵۰ فعال صلح از ۱۵ کشور راهی سفر شدند. مسیر سفرشان از هند، پاکستان، ایران، ترکیه، سوریه و مصر می‌گذشت تا سرانجام از طریق مرز رفح یا به نوار غزه بگذارند. آن روزها در شرایطی که مصر ورود ایرانی‌ها نمی‌پذیرفت، سرباز روح‌الله خاطر تابعیت غیرایرانی‌اش توانست همراه با همسر و دختر هشت‌ماهه‌اش برای اولین‌بار وارد فلسطین شود.

**اجانان من بر خیز و آهنگ سفر کن!**  
فصل دوم «قدمی تادس» نام گرفته و مربوط به حرکت جهانی‌ایی بیت‌المقدس است. فعالان مردم‌نهاد دنیا قرار بود از سه مسیر متفاوت خودشان را به نزدیک‌ترین نقطه مرزی به سرزمین اشغالی برسانند و تجمع کنند. این دفعه نا ارامی‌های سوریه هم شروع شده است و مسیر حرکت کاروان برای برهیز از ورود به مناطق جنگی با دفعه قبل متفاوت بود.

اما گذر زمان ضرورت ورود به موضوع سوریه فصل دوم «قدمی تادس» نام گرفته و مربوط به حرکت جهانی‌ایی بیت‌المقدس است. فعالان مردم‌نهاد دنیا قرار بود از سه مسیر متفاوت خودشان را به نزدیک‌ترین نقطه مرزی به سرزمین اشغالی برسانند و تجمع کنند. این دفعه نا ارامی‌های سوریه هم شروع شده است و مسیر حرکت کاروان قبل متفاوت بود.



را هم به فعالان ضدجنگ دنیا اثبات می‌کند. فصل «به دنبال صلح» حکایت طرحی نو با محوریت کشور جنگ‌زه سوریه است. کاروان بین‌المللی زائران صلح در سال ۲۰۱۴ مسفری پرماجر را به سمت دمشق آغاز می‌کند. اغلب مهمان‌ها در خارج از مرزهای ایران اسم و رسمی برای خودشان دارند. از شهردار شهری در استرالیا تا پدر دیو، کشیش آنجلیکن و اولانگی‌کاز آلمان و مادرگنس و جمعی از شاعران، نویسندگان و اهالی فرهنگ ایران، مثل علیرضا قزو، ناصر فیض و رضا میرحیاتی هم در تهران به کاروان ملحق می‌شوند.

**هم فال و هم تماشا!**

نویسنده اسم فصل بعدی را «ایران صغیر» گذاشته است تا خاطراتش در خلال سفرهای متعدد به کشمیر را روایت کند. بعد از آن با عنوان جالب توجه «ضحی‌ی میان حجج» راهی سرزمین حجاز می‌شود. سه نوبت حج کاروانی کشمیری بوده و از وطن خودش به این سفرها اعزام شده است. ناگفته هم پیداست که او به این سفرها نه تنها به چشم یک سفر زیارتی محض، بلکه به عنوان فرصتی گرانبها برای ادامه ارتباط با بنده جهان اسلام می‌نگرد.

**شیشوشوما!**

اسم عجیب و غریب فصل بعدی تنها در پایان خاطرات آن سفر رمزگشایی می‌شود! سال ۹۶ خیر فرار مردم ایالت واخین مینامار به سمت مرزهای بنگلادش به رسانه‌ها راه پیدا کرد و قلب آزادها را به‌در آورد. مسلمان‌های روهنیگیایی که سرق مسلم سکونت در سرزمین‌شان باحکومت مرکزی درگیر بودند، داشتند مظلومانه به خاک و خون کشیده می‌شدند. امت‌واحد تصمیم گرفت برایشان کمک‌های مردمی جمع کند. برای اطلاع از اوضاع آنجا، روح‌الله رضوی از طرف تشکیلات مأمور شد که برای تحقیقات میدانی عازم بنگلادش شود.

او در ادامه کتاب با عنوان «کنار فرارعه» خاطرات سفرهایش به دو کشور شمال آفریقا، مصر و تونس را مرور می‌کند و در پایان با فصل هیجان‌انگیز «بانگی برگ بم شوه» عازم کاراکاس در ونزویلا می‌شود.

**بسیار سفر باید...**

«از کشمیر تا کاراکاس» یکی از بهترین کتاب‌هایی‌سود که طی چند ماه‌ اخیر خوانده‌ام. کتابی که می‌دلم طعم خوشنش را به بخش‌هایی کوتاه با میان‌تیرهایی جذاب تجزیه شده. این کار، مطالعه آسوده‌تر کرده و خوش‌خون بولم‌نویسنده را بیشتر به رخ می‌کشد. علاوه بر این نویسنده در عین دوره از پر گوئی، جزئیات خوبی از شهرها و مسیر حرکت ارائه می‌دهد.

**فاطمه عارف‌نژاد**  
خودمانیم دیگر، ما که دست‌مان به خیلی جاهای دنیانمی‌رسد. کرونا هم دو سال است که ول‌کن معامله نیست و طومار سفرها را به هم پیچیده اما من عاشق سفرم و شیفته سفرنامه‌های رنگارنگ. مثلاً همیشه یکی از فانتزی‌هایم سفر به نوار غزه بوده است؛ برای همین وقتی فهمیدم یکی از مقصدهای آقای رضوی در کتابش غزه است، دیگر نشد در مقابل وسوسه خواندنش مقاومت کنم. پس با او در مسیرهای دور و درازش همراه شدم، تحسینش کردم، لذت‌ها بردم و نکته‌ها آموختم.

**اسم و رسم: سرباز روح‌الله!**  
«من متولد کشمیر تحت کنترل هندوستان هستم. هم مادرم کشمیری است و هم پدرم. اوایل انقلاب ایران، پدر به عشق امام خمینی کار و زندگی‌اش را در کشمیر رها کرد و به ایران آمد و ماندگار شد، ما هم به دنبال پدر».

سرباز روح‌الله رضوی خودش را اینطور معرفی می‌کند. او عضو اتحادیه بین‌المللی امت‌واحد و یک جهان‌وطن به تمام‌مناست. قیقا هم همین روحیه جهان‌طلنی اوست که در قالب این کتاب و در خلال سفرهای هیجان‌انگیز و متعددش بازنمایی شده است. او تا مقطع ارشد در دانشگاه علم و صنعت درس خواند و بعد از آن برای ادامه تحصیل حوزوی وارد جامعه‌المصطفی و ساکن شده است.



**«از کشمیر تا کاراکاس» مثل هر سفرنامه دیگری کلمه و عکس‌هایی را کنار هم نشانده؛ عکس‌هایی که البته ای کاش می‌شد رنگی تماشا یشان کرد. کتاب ظاهری دوست‌داشتنی دارد. طوری که حتی تورقش به سرعت می‌تواند طیف گسترده‌ای از سلاقی را به همسفر شدن بارآوری تشویق کند**

**جمع‌نقیزی!**

«از کشمیر تا کاراکاس» کتاب سرزنده و پرتحرکی است. در عین جدی بودن بسیار باز نگوش است و با وجود غم‌الودگی بعضی خاطره‌هایش بسیار مفرح. اینجا حکایت سفر نه به یک کشور و دوتا و سه، بلکه به مقصدهای متنوع و از مسیرهای مختلف است. اینجا قرار است همگی همپای نویسنده به کشورهای مختلف سرک بکشیم و با آدم‌های متفاوت همکلام بشویم. ساختار اثر سفرنامه است اما محتوایش عملاً از ظرف سفرنامه‌های معمول بیرون می‌زند و به حرف‌هایی جدی‌تر در لابه‌لای عمیق‌تر می‌پردازد. مؤلف اینجانه یک گردشگر، بلکه مسافری در کوچه پس‌کوچه‌های مبارزه است. مبارزه با ظلم که در مرز می‌شناسد و نه ملیت، روی همین حساب است که حتی جهان‌بینی‌های متناقض هم می‌توانند زیر پرچم این ظلم سستی‌وی و صلح‌طلبی جمع بشوند. مسلمان و مسیحی و بی‌دین و کمونیست، چپی و راستی و این‌طرفی و آن‌طرفی. برای همین ساکاوچی زاپتی دست‌در دست نوزالی از مالزی و مونته‌وهندو و سرباز روح‌الله کشمیری و دهها نفر دیگر، زنجیرهای انسانی می‌سازند و موفق می‌شوند در سخت‌ترین روزهای محاصره، خودشان را به خاک خون آلود غزه برسانند.

«از کشمیر تا کاراکاس» مثل هر سفرنامه دیگری کلمه و عکس را کنار هم نشانده عکس‌هایی‌که البته‌ای کاش می‌شد رنگی تماشا یشان کرد. کتاب ظاهری دوست‌داشتنی دارد. طوری که حتی تورقش به سرعت می‌تواند طیف گسترده‌ای از سلاقی را به همسفر شدن با راوی تشویق کند. هر فصلش مربوط به یک سفر است و هر قسمت به بخش‌هایی کوتاه با میان‌تیرهایی جذاب تجزیه شده. این کار، مطالعه آسوده‌تر کرده و خوش‌خون بولم‌نویسنده را بیشتر به رخ می‌کشد. علاوه بر این نویسنده در عین دوره از پر گوئی، جزئیات خوبی از شهرها و مسیر حرکت ارائه می‌دهد.